

## رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با استرس ادراک‌شده دانش‌آموزان The Relationship Between Parents' Parenting Styles and the Perceived Stress of Students

Fateme Habibi, MSc Student

Narges Pourtaleb, PhD<sup>✉</sup>

فاطمه حبیبی<sup>۱</sup>  
نرگس پورطالب<sup>۲</sup>

### Abstract

The purpose of this study was to determine the relationship between parents' parenting styles and the perceived stress of female students. The method of the current research was correlational. For this purpose, among all sixth-grade female students in one district of Tabriz city and their parents, 301 were selected by random cluster sampling method and tested using Cohen's questionnaire (1983) and Bamrind's questionnaire (1967). Multiple regression test was used to analyze the data. The results of simultaneous regression analysis showed that among parenting styles of parents, there is a negative and significant relationship between authoritative parenting style and perceived stress at a significant level ( $p < 0.05$ ). And there is a positive and significant relationship between authoritarian parenting style and perceived stress at a significant level ( $p < 0.05$ ). But there is no significant relationship between permissive parenting style and perceived stress. According to the findings and the importance of parents' parenting styles, it is suggested to provide a suitable platform for teaching parenting styles to families.

**Keywords:** Perceived Stress, Parenting Style

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با استرس ادراک‌شده دانش‌آموزان دختر بود. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. بدین منظور از بین کلیه دانش‌آموزان دختر پایه ششم ناحیه یک شهر تبریز و والدین آنها، ۳۰۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و با استفاده از مقیاس کوهن (۱۹۸۳) و پرسشنامه بامریند (۱۹۶۷) مورد آزمون قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان نشان داد که از میان سبک‌های فرزندپروری والدین بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با استرس ادراک‌شده در سطح معناداری ( $p < 0.05$ ) رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مستبدانه با استرس ادراک‌شده در سطح معناداری ( $p < 0.05$ ) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. ولی بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با استرس ادراک‌شده رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده و اهمیت سبک‌های فرزندپروری والدین فراهم کردن بستر مناسب برای آموزش سبک‌های فرزندپروری به خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** استرس ادراک‌شده، سبک فرزندپروری

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۱۳ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۴/۲

۱. گروه روان‌شناسی، دانشگاه سراج، تبریز، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## ● مقدمه

دانش‌آموزان بزرگترین سرمایه‌های انسانی هر جامعه به حساب می‌آیند زیرا با به‌کارگیری علم و دانش و مهارت‌های آموخته‌شده می‌توانند گام‌های استواری در جهت تعالی و رشد و آبادانی جامعه بردارند (جعفری‌زاده سکه و همکاران، ۱۴۰۲). دانش‌آموزان، ظرفیت‌های مهمی دارند که شکوفاسازی آنها شرط لازم و اساسی موفقیت و توسعه جامعه امروزی است، اما وجود عوامل خطرآفرین متعدد در این مسیر، همواره آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت فردی و اجتماعی را در پی داشته است (اعتصامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). هر ساله دانش‌آموزان زیادی با وجود توانایی و استعداد خوب جهت ادامه تحصیل، دچار افت تحصیلی و در مواردی مجبور به ترک تحصیل می‌شوند (ابوالمعالی و همکاران، ۱۳۹۸). عوامل زیادی در این امر دخالت دارند که عوامل مربوط به مدرسه و نبود تحمل شرایط مدرسه به دلایل مختلف از جمله مسائل و مشکلات مالی و نبود حمایت از طرف خانواده‌ها می‌تواند از دلایل عمده آن باشد (اسلامی‌نسب، ۱۳۹۹).

بنابراین یکی از اهداف مهم نظام آموزشی تربیت دانش‌آموزان با وضعیت روحی و روانی سالم است که تحت تأثیر هیجان‌های محیطی مختلف و مشکلات روان‌شناختی قرار دارند. هیجان‌رویدادی پیچیده و چندبعدی است که منجر به آمادگی برای عمل می‌شود (پکران و همکاران، ۲۰۰۵). هیجان‌ها می‌توانند تحت تأثیر عوامل و شرایط محیطی مختلف و به شکل‌های مختلف از جمله استرس نمود یابند. استرس یکی از مشکلات شایع قرن حاضر است که علت ۳۰ درصد از بیماری‌ها بوده و سالیانه هزینه‌های بالایی را بر سیستم بهداشتی درمانی و خانواده و فرد تحمیل می‌کند (حیدری و همکاران، ۲۰۲۲).

استرس حالتی است که در اثر یک تغییر محیطی که به‌عنوان آسیب، چالش یا تهدیدی برای تعادل و پویایی فرد تلقی می‌شود ایجاد می‌شود، در این حالت بین توانایی فرد برای رفع نیازها و تقاضاهای موقعیت جدید یک بی‌تعادلی به‌طور واقعی یا تصویری به وجود می‌آید (چائو، ۲۰۱۲). استرس میزان کارایی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد، توانایی یادگیری در کلاس را کاهش می‌دهد و باعث نداشتن تمرکز در کلاس می‌شود. این به‌نوبه خود منجر به یادگیری بی‌کیفیت و کاهش عملکرد تحصیلی می‌شود؛ بنابراین استرس با عملکرد دانش‌آموزان رابطه منفی دارد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰). زمانی که فرد محیط را فراتر از منابع خود تهدیدکننده ارزیابی کند، دچار استرس می‌شود. به‌عبارت دیگر تفسیر و ارزیابی فرد از وقایع به ایجاد و ادراک استرس منجر می‌شود (لئوناردکس و همکاران، ۲۰۲۰). استرس زمانی ادراک می‌شود که موقعیت تهدیدکننده تفسیر شود و بین خواسته‌های محیطی و ادراک فرد از توانایی وی جهت مقابله با خواسته‌های محیطی ناهمخوانی وجود داشته باشد (لیر و همکاران، ۲۰۲۳). لازاروس و فولکمن، مفهوم استرس ادراک‌شده (perceived stress) را در مورد نقش ارزیابی در فرایند استرس مطرح کردند که به‌وسیله تفسیر یک رویداد، رویدادی ایجاد می‌شود که فشاری را بر فرد تحمیل می‌کند. در واقع استرس ادراک‌شده فرد همان ادراک و تفسیر کلی فرد از تأثیرپذیری در برابر استرس‌ها است. هر فرد یک عامل استرس‌زای مشابه را به طرق مختلف درک و برای خود تفسیر می‌کند که در این فرایند عوامل مختلفی نقش دارند (حسینی‌هاشمی، ۲۰۲۳). از میان عوامل مختلف می‌توان به خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد جامعه‌پذیر کردن کودکان به‌ویژه در سال‌های حساس و اولیه زندگی اشاره کرد (زارعی، ۲۰۱۰). یکی از مهمترین عوامل خانوادگی در تحول مشکلات رفتاری کودکان سبک فرزندپروری (parenting style) است (یاناندا و همکاران، ۲۰۲۰). فرزندپروری را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رفتارهای والدین در نظر گرفت که نسبت به فرزندان‌شان منتقل می‌شود. این نگرش‌ها و رفتارها نوع خاصی از جو عاطفی را برای زندگی کودکان ایجاد می‌کند (رستمی و سعادت، ۲۰۱۸). در مجموع سبک فرزندپروری بیان‌راهبردهایی است که والدین در تربیت فرزند خود به‌کار می‌گیرند (شوینگ و همکاران، ۲۰۲۲). چندین سبک فرزندپروری وجود دارد که ویژگی‌های متفاوتی دارند و تأثیر قابل مشاهده‌ای بر رفتار فرزندان می‌گذارند (پورناما و همکاران، ۲۰۲۲). بامریند از بعد کنترل والدینی برای مشخص نمودن سه سبک فرزندپروری استفاده کرد. این سبک‌ها عبارتند از سبک مستبدانه (authoritarian) یا سلطه‌گر که شامل قوانین اجباری و سخت و سطوح پایین پذیرش است. سبک مقتدرانه (authoritative style) که ترکیبی از کنترل و حمایت و علاقه‌مندی منطقی است و اعمال قوانین ثابت همراه با نشان‌دادن پذیرش در این دسته از والدین یافت می‌شود؛ و سبک سهل‌گیرانه (permissive style) که با سطوح پایین کنترل مربوط است (مک‌کوبی و مارتین، ۱۹۸۳).

در شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ‌دهی و فرزندان آنان اجتماعی و به‌طور مؤثری با کفایت هستند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می‌دهند (توزنده جانی و همکاران، ۲۰۱۱). روند بین‌فرهنگی که در اکثر مطالعات مشاهده می‌شود، این است که فرزندپروری مقتدرانه با عملکرد تحصیلی بهتر مرتبط است (پینکورات و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین شواهدی وجود دارد که از فرزندپروری مقتدرانه به‌عنوان بهترین سبک حمایت می‌کند. به‌عنوان مثال، هنگامی که نوبت به کاهش تعارض‌های خواهر و برادر می‌رسد رویکرد مقتدرانه ممکن است تنها گزینه مؤثر باشد (لیو و همکاران، ۲۰۲۲). کودکانی که در یک مقطع زمانی تحت تاکتیک‌های اقتدارگرایانه قرار می‌گرفتند در مقاطع زمانی بعدی مشکلات رفتاری برون‌سازی بیشتری را نشان می‌دادند. دشوار است که بدانیم آیا فرزندپروری مستبدانه باعث رشد متفاوت کودکان می‌شود یا خیر. اما وقتی محققان سبک‌های مختلف فرزندپروری را مقایسه می‌کنند، مشخص می‌شود که فرزندپروری مستبدانه با شایستگی اجتماعی پایین‌تری مرتبط است (استاینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴؛ چن و همکاران، ۱۹۹۷؛ ژو و همکاران، ۲۰۰۴؛ مارتینز و همکاران، ۲۰۰۷؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰). در فرزندپروری مستبدانه والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آنها معمولاً ارزش زیادی برای حفظ اقتدار خود قائل هستند و هرگونه تلاش از جانب فرزندان برای به چالش کشیدن این اقتدار را سرکوب می‌کنند، کودکان مجاز نیستند با والدین بحث کنند و یا به‌طور مستقل تصمیم بگیرند (مرادیان و همکاران، ۲۰۱۴). روی دیگر سبک استبدادی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه است که طی آن والدین برخلاف والدین سخت‌گیر بسیار پاسخ‌دهنده بوده و اجازه خودگردانی را به کودکان می‌دهند و آنها را ملزم به انجام رفتار رشدیافته نمی‌کنند (سیدشیرازی، ۲۰۰۴). برخی از محققین معتقدند که سبک فرزندپروری نامناسب اغلب منجر به بروز رفتار منفی در نوجوانان می‌شود (پیکرینگ و سندرز، ۲۰۱۶؛ مون و بای، ۲۰۲۰).

با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری مطالعات مختلفی در این راستا انجام گرفته است. در پژوهشی که رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با خلاقیت دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است، نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه با خلاقیت دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود ندارد. ولی بین سبک فرزندپروری استبدادی و خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط معکوس و بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد (امیری و همکاران، ۱۳۹۳). به‌علاوه در بررسی رابطه بین هویت کسب شده شیوه فرزندپروری ادراک‌شده و میزان امید به زندگی با استرس ادراک‌شده در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دبیرستان‌های سما استان گیلان نتایج پژوهش نشان داد که بین خرده‌مقیاس سهل‌گیر و مستبدانه در فرزندپروری و استرس ادراک‌شده رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، ولی بین خرده‌مقیاس مقتدرانه در شیوه فرزندپروری و استرس ادراک‌شده رابطه منفی وجود دارد (خلعتبری و عاشوری، ۱۳۹۳).

در مطالعه شوینگ‌ویگدال و کالستن‌برونیک (۲۰۲۲)، رابطه مستقیم میان سبک‌های فرزندپروری استبدادی و علائم اضطراب و افسردگی دیده می‌شود. در پژوهش دیگر تحلیل داده‌های خانجانی و همکاران (۱۳۹۱)، نشان داد که علائم و سواس فکری و عملی و افکار اضطرابی رابطه مثبت و معنادار با شیوه فرزندپروری مستبدانه و رابطه منفی و معنادار با شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارد. تیواری (۲۰۲۲)، به تأثیر نقش سبک‌های فرزندپروری در میزان یادگیری فرزندان پرداخت و نتایج پژوهش وی نشان داد از میان سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه بهترین سبک برای یادگیری فرزندان است. از آنجاکه ویژگی‌های شخصی و ارتباطی والدین، دو دسته از عوامل تأثیرگذار بر ویژگی‌های فرزندان محسوب می‌شود و بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و رفتارهای سازنده و مخرب فرزندان رابطه معناداری وجود دارد (بشارت و همکاران، ۲۰۱۱)؛ لذا آگاه‌ساختن و آموزش به والدین و خانواده در جهت پرورش فرزندان سالم در جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است و سازمان‌های ذی‌ربط می‌بایست در این زمینه نقش فعال‌تری را ایفا کنند. با توجه به مطالعاتی که پژوهشگران در راستای رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با استرس ادراک‌شده انجام دادند؛ پیشینه تجربی منسجمی در جامعه مدنظر مطالعه حاضر، یافت نشد. لذا خلاء پژوهشی موجود و با توجه به پیامدهای منفی استرس ادراک‌شده و نقش فرزندپروری والدین در مسیر تحول دانش‌آموزان، انجام پژوهش حاضر را در راستای پاسخ به فرضیه پژوهشی ضروری می‌کند و پژوهش حاضر درصدد بررسی این فرضیه است: سبک‌های فرزندپروری والدین، استرس ادراک‌شده دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی می‌کند.

## • روش

با توجه به هدف و ماهیت این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر پایه ششم ناحیه یک شهر تبریز و والدین آنها تشکیل می‌دادند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. با توجه به آمار آموزش و پرورش ناحیه، تعداد این دانش‌آموزان ۱۹۳۴ نفر بود. نمونه پژوهشی به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانش‌آموزان دختر مدارس ناحیه یک در شهر تبریز سه مدرسه انتخاب شدند. با استناد به جدول مورگان نمونه آماری پژوهش ۳۲۲ نفر در نظر گرفته شد. پس از حذف والدین پدر به دلیل تعداد آزمودنی‌ها (۲۱) نفر، در نهایت اطلاعات ۳۰۱ نفر از والدین مادر مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله اجرا پس از اخذ مجوز از معاونت پژوهشی آموزش و پرورش ناحیه یک، در مدارس این ناحیه، پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد. در زمان انجام پژوهش پس از دادن توضیحات لازم به دانش‌آموزان در خصوص هدف پژوهش، اهمیت موضوع پژوهش و پاسخ آنها و دادن اطمینان به آنان مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات اخذ شده از سوی آنان؛ از آزمودنی‌ها خواسته شد تا با توجه به توضیحات داده شده در خصوص سوالات پرسشنامه؛ گزینه‌ای را که در مورد آنها صدق می‌کند، انتخاب نمایند. پس از گردآوری داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه هم‌زمان) استفاده شد. لازم به ذکر است که متغیر پیش‌بین این پژوهش سبک‌های فرزندپروری و متغیر ملاک استرس ادراک‌شده و متغیر کنترل سن، مقطع و جنس بودند. همچنین داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند.

## • ابزارها

**مقیاس تنیدگی ادراک‌شده (perceived stress scale- PSS):** مقیاس تنیدگی ادراک‌شده در سال ۱۹۸۳ توسط کوهن، کمارک و مرملستین ساخته شده است. این مقیاس ۱۴ ماده دارد و هر ماده بر اساس مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای (هیچ، کم، متوسط و خیلی زیاد) پاسخ داده می‌شود، این گزینه‌ها به ترتیب نمره ۰، ۱، ۲، ۳، ۴ می‌گیرند. مقیاس تنیدگی ادراک‌شده دو خرده‌مقیاس را می‌سنجد. خرده‌مقیاس ادراک منفی از تنیدگی که شامل ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ می‌شود و خرده‌مقیاس ادراک‌شده مثبت از تنیدگی که ماده‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۳ را دربر می‌گیرد که به صورت برعکس نمره‌گذاری می‌شوند. مقیاس تنیدگی ادراک‌شده زمانی به کار می‌آید که بخواهیم بدانیم موقعیت‌های زندگی یک فرد تا چه اندازه از نظر خود فرد تنیدگی‌زا است. ضریب اعتبار همسانی درونی مقیاس از طریق ضریب آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۸۴ تا ۰/۸۶ در دو گروه از دانشجویان و یک گروه از افراد سیگاری در برنامه ترک به دست آمده است. مقیاس تنیدگی ادراک‌شده به طور معناداری با رویدادهای زندگی، نشانه‌های افسردگی و جسمی، بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، استرس اجتماعی و رضایت از زندگی پایین همبسته است (کوهن و همکاران، ۱۹۸۳). در این پژوهش نیز ضریب اعتبار ابزار بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمده است.

**پرسشنامه فرزندپروری بامریند (Baumrind parenting styles questionnaire- BPSQ):** پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند (۱۹۶۷) طراحی و اعتباریابی شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده بسته پاسخ است که سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه را می‌سنجد. ۱۰ ماده از سوالات پرسشنامه به شیوه سهل‌گیرانه (۱، ۶، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸) و ۱۰ ماده از سوالات به شیوه مستبدانه (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹) و ۱۰ ماده از سوالات به شیوه مقتدرانه (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰) به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه والدین نظر خود را بر حسب مقیاس ۵ درجه لیکرتی مشخص می‌کنند. هریک از این سه سبک با ۱۰ آیتم در مقیاس لیکرت ۵ درجه از نمره صفر تا ۴ سنجیده می‌شود. (۴=کاملاً موافقم، ۳=موافقم، ۲=تا اندازه‌ای، ۱=مخالقم، ۰=کاملاً مخالفم). بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده و مشاهده کرد که شیوه مستبدانه رابطه منفی و معنادار با شیوه سهل‌گیرانه و شیوه مقتدرانه دارد و شیوه سهل‌گیرانه رابطه معناداری با شیوه مقتدرانه نداشت. سومالی (۱۳۹۳) اعتبار ابزار برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ و برای ابعاد به ترتیب برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۵، سبک مقتدرانه ۰/۷۸ و سبک مستبدانه ۰/۷۲ به دست آورد. این پرسشنامه در ایران توسط اسفندیاری (۱۳۷۴)، ترجمه شد و ضریب اعتبار سبک‌های فرزندپروری برای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۶۹، سبک فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۳ و سبک فرزندپروری مستبدانه ۰/۷۷ بر اساس

ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد (سعیدی فر و سعیدی فر، ۱۴۰۱). در پژوهش حاضر ضریب اعتبار سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۷۸، سبک مقتدرانه ۰/۷۲، سبک مستبدانه ۰/۸۳ بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

## • یافته‌ها

در راستای بررسی و توصیف داده‌های به دست آمده از نمونه مورد مطالعه در خصوص متغیرهای پژوهش از شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار) استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول شماره (۱) قابل بررسی است. چنانچه مقدار چولگی و کشیدگی یک توزیع در بازه ۲- و ۲+ قرار گیرد، می‌توان ادعا کرد که توزیع نرمال است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقادیر جدول ۱، شامل قاعده مذکور است. لذا می‌توان دریافت داده‌های تحقیق دارای توزیع نرمال است. با استناد به جدول شماره ۱ نتایج آزمون میانگین نشان داد، سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشترین میانگین ۳۲/۹۲ را به دست آورد و سبک فرزندپروری مستبدانه نیز با میانگین ۱۹/۲۴ کمترین میانگین را کسب کرده است. قبل از پرداختن به تحلیل رگرسیون، شایان ذکر است که پیش‌فرض‌های تحلیل بررسی و تأیید شدند. برای بررسی پیش‌فرض‌های رگرسیون با توجه به کمی بودن داده‌ها از آزمون کشیدگی و چولگی استفاده شد. نتایج آزمون چولگی و کشیدگی بر اساس جدول ۱، نشان داد که توزیع داده‌ها نرمال است. برای بررسی پیش‌فرض استقلال داده‌ها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. مقدار آماره دوربین- واتسون در تحقیق حاضر ۱/۴۹ است. مقادیر بین ۱/۵ تا ۲/۵ نشانگر وجود استقلال خطاها در داده‌ها هستند (کلاتری، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان گفت که در تحقیق حاضر برای انجام رگرسیون استقلال داده‌ها وجود دارد. برای بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد که سطح معناداری آزمون لون  $\text{sig} = ۰/۵۱۳$  بیشتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها در بین سبک‌های فرزندپروری تأیید می‌شود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
استرس ادراک‌شده	۴۵/۰۲	۸/۱۶	۰/۰۹۷	-۰/۱۳۶
سبک مقتدرانه	۳۲/۹۲	۵/۸۲	۰/۵۱۲	۱/۰۳
سبک سهل‌گیرانه	۳۲/۰۲	۵/۹۸	۰/۰۸۷	-۰/۱۳۳
سبک مستبدانه	۱۹/۲۴	۵/۹۸	۱/۲۰	۱/۵۴

قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهشی ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود. مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک مقتدرانه و استرس ادراک‌شده رابطه منفی و معنادار وجود دارد ( $r = -۱۳۹$ ). بدین معنا که با افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه، میزان استرس ادراک‌شده کاهش می‌یابد. همچنین یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک مستبدانه و استرس ادراک‌شده رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $r = ۰/۱۴۲$ ). که با افزایش نمره سبک فرزندپروری مستبدانه، میزان استرس ادراک‌شده افزایش می‌یابد. بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و استرس ادراک‌شده رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	سبک مقتدرانه	سبک سهل‌گیرانه	سبک مستبدانه	استرس ادراک‌شده
سبک مقتدرانه	۱			
سبک سهل‌گیرانه	**۰/۱۵۱	۱		
سبک مستبدانه	-۰/۰۸۷	-۰/۰۵۰	۱	
استرس ادراک‌شده	*-۰/۱۳۹	۰/۰۵۴	**۰/۱۴۲	۱

به منظور بررسی اینکه از بین سبک‌های فرزندپروری والدین کدام یک سهم معناداری در پیش‌بینی استرس ادراک‌شده دارند، در جداول ۳، ۴، ۵ ارائه شده است.

مندرجات جدول ۳ ضریب همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و استرس ادراک‌شده دانش‌آموزان دختر تبریز است که با توجه به مقدار ضریب تبیین تعدیل شده ۰/۰۳۳ حدود ۴/۳ درصد از استرس ادراک‌شده توسط سبک‌های فرزندپروری (سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه) قابل تبیین است.

برای اینکه مدل رگرسیون معنادار باشد، باید بین متغیر ملاک و متغیرهای پیش‌بین رابطه خطی وجود داشته باشد. به همین دلیل برای بررسی وجود رابطه بین متغیر ملاک و متغیر پیش‌بین از آزمون F استفاده شده است، مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد سطح معناداری F برابر ۰/۰۰۵ است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون F کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین بین متغیر ملاک و متغیرهایی پیش‌بین رابطه خطی معناداری وجود دارد.

با توجه به مندرجات جدول ۵ نتیجه می‌گیریم که مؤلفه سبک فرزندپروری مقتدرانه ( $\beta=0/140$ ,  $t=2/42$ ,  $p=0/16$ ) و مؤلفه فرزندپروری مستبدانه ( $\beta=0/134$ ,  $t=2/34$ ,  $p=0/20$ ) معنادار هستند. همچنین مثبت بودن اثر سبک فرزندپروری مستبدانه در استرس ادراک‌شده، نشانگر آن است که هر چقدر فرد دارای سبک مستبدانه بالاتری باشد، میزان استرس ادراک‌شده بیشتر خواهد بود و نیز منفی بودن سبک مقتدرانه در استرس ادراک‌شده نشانگر آن است که هرچه فرد دارای سبک مقتدرانه بالاتری باشد، میزان استرس ادراک‌شده نیز کاهش خواهد یافت.

### جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون استرس ادراک‌شده از روی سبک‌های فرزندپروری

شاخص آماری مدل رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه R	واریانس تبیین شده R <sup>2</sup>	واریانس تبیین شده R <sup>2</sup> خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۲۰۷	۰/۰۴۳	۰/۰۲

### جدول ۴. جدول تحلیل واریانس متغیر استرس ادراک‌شده با توجه به سبک‌های فرزندپروری والدین

شاخص معناداری	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح
بین گروهی	۸۵۴/۷۴	۳	۲۸۴/۹۱	۴/۴۲	۰/۰۰۵
درون گروهی	۱۹۱۴۳/۹۸	۲۹۷	۶۴/۴۵		
کل	۱۹۹۹۸/۷۳	۳۰۰			

### جدول ۵. ضریب رگرسیونی مربوط به پیش‌بینی استرس ادراک‌شده با توجه به سبک‌های فرزندپروری

شاخص آماری مدل رگرسیون	ضریب رگرسیون استاندارد نشده B	خطای استاندارد (S.E)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (BETA)	آماره t	سطح معناداری
سبک مقتدرانه	-۰/۱۹۶	۰/۰۸۱	-۰/۱۴۰	-۲/۴۲	۰/۰۱۶
سبک سهل‌گیرانه	۰/۱۱۱	۰/۰۷۸	۰/۰۸۲	۱/۴۲	۰/۱۵۶
سبک مستبدانه	۰/۱۸۳	۰/۰۷۷	۰/۱۳۴	۲/۳۴	۰/۰۲۰
ضریب ثابت	۴۴/۳۹	۳/۸۴		۱۱/۵۳	۰/۰۰۱

## ● بحث

این مطالعه به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با استرس ادراک‌شده دانش‌آموزان دختر پرداخته است. براساس آنچه از تحلیل داده‌ها به دست آمد، بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با استرس ادراک‌شده رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش نمره شیوه فرزندپروری مقتدرانه نمره استرس ادراک‌شده کاهش می‌یابد و بالعکس؛ که با مطالعه توزنده‌جانی و همکاران (۲۰۱۱)، پینکورات و همکاران (۲۰۱۷)، لیو و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که والدین اقتدارگرا سعی می‌کنند فعالیت‌های فرزندان را به شیوه منطقی مباحثه محور هدایت کنند. این والدین گفتگوی شفاهی را تشویق می‌کنند، دلایل رفتارهای شان را با فرزندان در میان می‌گذارند و وقتی فرزندان شان از پیروی کردن امتناع می‌ورزند؛ اعتراض خود را بیان می‌کنند. این والدین کنترل بر رفتار فرزندان اعمال کرده ولی آنان را خیلی محدود نمی‌سازند، از طرفی استانداردهایی را برای رفتار آینده فرزندان شان تعیین می‌کنند (بی‌طرف و همکاران، ۲۰۱۰). والدین اقتدارگرا انعطاف‌پذیر هستند. آنان با دلیل و منطق شرایطی را که می‌خواهند فرزندان شان بپذیرند، توضیح می‌دهند. به طور کلی خودمختاری فرزندان شان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند. آنان بیشتر بر اهداف همدلانه تأکید می‌نمایند. والدین مذکور متوقع و در عین حال پاسخ‌گو هستند (بشارت و همکاران، ۲۰۱۱).

وقتی والدین به‌عنوان یک الگوی قابل اعتماد در فعالیت‌های مختلف فرزندان در منزل مشارکت می‌کنند، محدودیت‌ها و تشویق‌هایی را برای فرزندان خود اعمال می‌کنند. درمواقع بروز مشکلات تحصیلی، فردی و اجتماعی فرزندان‌شان به‌عنوان مشاور و راهنما عمل می‌کنند (اکرمی و همکاران، ۱۳۹۹). درگیرشدن والدین در مسائل مختلف فرزندان نشان‌دهنده ارزش و اهمیت والدین نسبت به فرزندان است، درنتیجه فرزندان دچار اضطراب و استرس کمتری شده و توانایی حل مسئله پیدا می‌کنند.

نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد بین سبک فرزندپروری مستبدانه و استرس ادراک‌شده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نمره شیوه فرزندپروری مستبدانه نمره استرس ادراک‌شده افزایش می‌یابد و بالعکس. نتایج تحقیق مرادیان و همکاران (۲۰۱۴)، پینکورات و همکاران (۲۰۱۷)، مون و بای (۲۰۲۰)، شوینگ و یگدال و کالستن‌برونیک (۲۰۲۲)، لیو و همکاران (۲۰۲۲) با یافته تحقیق حاضر در یک‌راستا است. با توجه به اینکه سبک فرزندپروری یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در پرورش فرد ایفا می‌کند و براساس تعریف شوینگ و یگدال و کالستن‌برونیک (۲۰۲۲) که والدین، فرزندپروری را به‌عنوان راهبردی برای تربیت فرزند خود به‌کار می‌گیرند؛ مشخص می‌شود که والدین مستبد چگونه می‌توانند با سبک تربیتی خود موجب آسیب‌پذیری فردی و اجتماعی فرزندان‌شان گردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک فرزندپروری مستبدانه با پیامدهای منفی بسیاری از جمله انعطاف‌پذیری پایین، عزت‌نفس پایین، کاهش شادمانی، انگیزه پیشرفت پایین، فقدان راهبردهای مقابله‌ای مناسب و افزایش استرس و انواع اضطراب در ارتباط است (میشرا و همکاران، ۲۰۱۸).

والدینی که در ارتباط با نوجوانان از سبک‌های فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کردند، نوجوانان این والدین از سطح بالای افکار اضطرابی و بروز علائم و وسواس فکری و عملی برخوردار بودند. اکثر مشکلات فکری اضطرابی نوجوانان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به‌ویژه والدین است. برخوردهای مستبدانه با فرزندان می‌تواند با اثرات نامطلوب هیجانی و اعتمادبه‌نفس پایین زمینه را برای بروز اختلالات و آشفتگی‌های روانی فراهم سازد (اسکندری و همکاران، ۱۴۰۲). درواقع شیوه فرزندپروری مستبدانه با برخوردهای خشن، محدودکننده و کنترل افراطی به فردیت و استقلال فرزندان در خانواده آسیب می‌زند. به‌طور مثال در مطالعه شوینگ و یگدال و کالستن‌برونیک (۲۰۲۲) رابطه مستقیمی میان سبک‌های فرزندپروری استبدادی و علائم اضطراب و افسردگی دیده می‌شود. همچنین تحلیل داده‌های خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که علائم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی رابطه مثبت و معنادار با شیوه فرزندپروری مستبدانه و رابطه منفی و معنادار با شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارد. همچنین بر این باورند که شیوه‌های فرزندپروری توانایی پیش‌بینی سطح علائم وسواس فکری و عملی و افکار اضطرابی نوجوانان را دارند.

همچنین نتایج ضریب همبستگی میان متغیرهای تحقیق نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و استرس ادراک‌شده رابطه معناداری وجود ندارد. که با مطالعه سید شیرازی (۲۰۰۴)، پیکرینگ و سندرز (۲۰۱۶)، مون و بای (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین سختگیر در ابعاد کنترل و خواسته‌ها در پایین‌ترین سطح قرار دارند و براساس گزارش‌های موجود این والدین کنترل اندکی بر فرزندان‌شان دارند. آنها از روش‌های احساس‌گناه برای کنترل فرزندان‌شان استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد به آسانی در مقابل بهانه‌ها و شکایت فرزندان‌شان تسلیم می‌شوند. فرزندان والدین سهل‌گیر به‌علت نداشتن حس استقلال و نداشتن مسئولیت‌پذیری در سطح بالایی از تردید و نگرانی در مورد اشتباهات خود قرار دارند و در هنگام مواجهه با مشکلات تمایل به واپس‌روی دارند و در بیشتر موارد نسنجیده عمل می‌کنند. زیرا این کودکان بدون اعمال کنترل ازسوی خانواده احساس رها شدن می‌کنند و چون پناهگاهی برای دوران‌های بحرانی پیدا نمی‌کنند؛ لذا استرس بیشتری را تجربه می‌کنند.

## • نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، لازم است والدین از مطلوب‌ترین سبک‌های تربیتی استفاده کنند. شیوه فرزندپروری مقتدرانه ازمناسب‌ترین شیوه‌های فرزندپروری است که پژوهش‌های بسیاری در این خصوص صورت گرفته است. زیرا کودکان در این شیوه با آزادی عمل همراه با مشارکت همدلانه والدین در حل مسائل و مشکلات می‌توانند در کاهش میزان استرس خود عملکرد بهتری داشته باشند؛ و بر میزان خلاقیت و فعالیت‌های فعالانه خود بیفزایند. هر پژوهشی با محدودیت‌هایی همراه است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر نبود مطالعه هم‌زمان جامعه آماری دختر و پسر مقطع ششم در کل نواحی پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر تبریز و همچنین نبود

توزیع برابری پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری در والدین پدر و مادر بوده است. لذا با توجه به محدودیت‌ها و پیشینه پژوهش پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری والدین، فراهم نمودن بستر مناسب برای آموزش سبک‌های فرزندپروری به خانواده‌ها از طریق آموزش و پرورش، مراکز و سازمان‌های بهزیستی و با راهنمایی و مشاوره توسط روانشناسان و مشاوران پیشنهاد می‌شود. زیرا تعداد زیادی از خانواده‌ها به دلیل نداشتن شرایط و امکانات مالی برای مراجعه به مشاوران تربیتی در خصوص مشکلات ارتباطی خود با فرزندان عاجز و ناتوان هستند.

## • تقدیر و تشکر

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی ناحیه یک شهر تبریز و مدیران و معلمان مدارس مشارکت‌کننده و تمامی دانش‌آموزان و والدین آنها که در انجام این پژوهش همکاری نمودند تشکر و سپاسگزاری نمایند.

## • تعارض منافع

نویسندگان هیچ تضاد منفعی و حمایت مالی را در رابطه با این پژوهش اعلام نکردند.

## • منابع

- ابوالمعالی، خدیجه؛ هاشمیان، کیانوش؛ و اعرابیان، اقدس. (۱۳۹۸). تبیین فرسودگی تحصیلی براساس الگوی ارتباط والد-فرزند با میانجی‌گری تاب‌آوری و توانایی حل مسئله. *مجله روان‌شناسی*، ۲۳ (۱): ۵۰-۶۵.
- اسکندری، ریحانه؛ حجازی، الهه؛ و نقش، زهرا. (۱۴۰۲). ادراک از سبک‌های والدگری و مؤلفه‌های شکوفایی در پیش‌بزرگسالی: نقش واسطه‌ای راهبردهای مدیریت زندگی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷ (۳): ۲۵۱-۲۶۲.
- اسلامی نسب، علی. (۱۳۹۹). *روان‌شناسی اعتمادبه نفس*. تهران: انتشارات مهرداد.
- اکرمی، لیلا؛ ملک‌پور، مختار؛ و عابدی، احمد. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری والدین با مشکلات دوره بلوغ. *مجله روان‌شناسی*، ۲۴ (۴): ۴۱۶-۳۹۵.
- امیری، مهدی؛ دودمان، پروانه؛ و پرتابیان، اکبر. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با خلاقیت دانش‌آموزان. اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی. مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران.
- اعتصامی پور، راضیه؛ زارع بهرام آبادی، مهدی؛ و فریبرز، باقری. (۱۳۹۹). رابطه میان الگوهای ارتباطی والد-فرزند و مهارت‌های ارتباطی، با میانجی‌گری مدیریت هیجانی، عزت‌نفس و مدل‌یابی ساختاری. *فصلنامه علمی تربیت اسلامی*، ۱۵ (۳۳): ۱۱۱-۱۳۵.
- بشارت، محمدعلی؛ عزیز، کاخ؛ و پورشریفی، حمید. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی کودکان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. *خانواده پژوهی*، ۷ (۲۶): ۱۶-۱۴۵.
- توزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهانشیر؛ و لگزیان، زهرا. (۱۳۹۰). اثربخشی فرزندپروری تکنیک‌های روی خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی پیام نور و دانشگاه آزاد نیشابور. *طب داخلی روز*، (۲): ۶۴-۵۶.
- حسینی هاشمی، مهسا. (۲۰۲۲). رابطه استرس ادراک‌شده با رضایت شغلی پرستاران. *مجله روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*، ۳۰ (۱): ۷-۱.
- جعفری‌زاده سکه، عادل؛ و قهرمان، فائزه. (۱۴۰۲). نقش کیفیت زندگی در مدرسه در پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه. بابل.
- حیدری فارسانی، نسیم؛ مقیمیان، مریم؛ حیدری، الهه؛ کوراوند، ژاله؛ حیدری، فرنگیس؛ رئیس، هادی؛ و همکاران. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین استرس شغلی و کیفیت زندگی پرستاران شاغل در بخش‌های کرونا و عمومی در طول پاندمی کرونا. *مجله توسعه پرستاری در سلامت*، ۱۳ (۳): ۱۴-۲۴.
- خانجانی، زینب؛ اسماعیلی انابق، بهمین؛ و غلام زاده، مجتبی. (۱۳۹۱). نقش شیوه‌های فرزندپروری در پیش‌بینی افکار اضطرابی و علائم وسواسی فکری و عملی نوجوانان. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ۲۰ (۱): ۳۹-۴۸.
- خلعبری، جواد؛ و عاشوری، آلاله. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هویت کسب شده، شیوه فرزند پروری ادراک‌شده و میزان امید به زندگی با استرس ادراک‌شده در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دبیرستان‌های سماء استان گیلان. *روان‌شناسی تربیتی*، ۳ (۱): ۱۰۸-۹۹.



- رستمی، مهدی؛ و سعادت، نادره. (۱۳۹۷). نقش سبک‌های فرزندپروری مادر در پیش‌بینی نافرمان مخالف رفتار، خلق و خو و اختلالات اضطراب جدایی در میان دانش‌آموزان. *مجله تحقیقات و سلامت*، ۸ (۵): ۴۲۴-۴۱۸.
- زارعی، علی. (۲۰۱۰). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با نوجوان مجرمان در رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینجر. *مجله شهید صدوقی دانشگاه علوم پزشکی یزد*، ۸ (۳): ۲۲۴-۲۲۰.
- سعیدی‌فر، محمد؛ و سعیدی‌فر، عهدیه. (۱۴۰۱). بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی سلامت روان دانش‌آموزان با میانجی‌گری هوش معنوی. *فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۱۵ (۱۹): ۱-۱۷.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۹). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. تهران: فرهنگ صبا.
- مرادیان، جلال؛ عالی پور، سیروس؛ و شهنی بیلاق، منیجه. (۱۳۹۳). رابطه علی بین سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت. *روان‌شناسی خانواده*، ۱ (۱): ۷۴-۶۳.
- Bitaraf, S., Shaeri, M. R., & Hakim Javadi, M. (2010). Social phobia, parenting styles, and perfectionism.
- Chao, R. C. L. (2012). Managing perceived stress among college students: The roles of social support and dysfunctional coping. *Journal of college counseling*, 15 (1), 5-21.
- Chen, X., Dong, Q., & Zhou, H. (1997). Authoritative and authoritarian parenting practices and social and school performance in Chinese children. *International journal of behavioral development*, 21 (4), 855-874.
- Cohen, S., Kamarck, T., & Mermelstein, R. (1983). A global measure of perceived stress. *Journal of health and social behavior*, 385-396.
- Garcia, O. F., Fuentes, M. C., Gracia, E., Serra, E., & Garcia, F. (2020). Parenting warmth and strictness across three generations: Parenting styles and psychosocial adjustment. *International Journal of environmental research and public health*, 17 (20), 7487.
- Leonard, K. S., Evans, M. B., Kjerulff, K. H., & Downs, D. S. (2020). Postpartum perceived stress explains the association between perceived social support and depressive symptoms. *Women's Health Issues*, 30 (4), 231-239.
- Li, R., Huang, C., Guan, B., Du, J., Zhao, M., & Liu, S. (2023). The negative impact of loneliness and perceived stress on mental health during two-month lockdown in Shanghai. *Journal of Affective Disorders*, 335, 377-382.
- Liu, C., & Rahman, M. N. A. (2022). Relationships between parenting style and sibling conflicts: A meta-analysis. *Frontiers in psychology*, 13, 936253.
- McCoby, E. E. (1983). Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. *Handbook of child psychology*, 4, 1-101.
- Martínez, I., García, J. F., & Yubero, S. (2007). Parenting styles and adolescents' self-esteem in Brazil. *Psychological reports*, 100 (3), 731-745.
- Mishra, P. I. N. K. I., & Kiran, U. V. (2018). Parenting style and social anxiety among adolescents. *Int J Appl Home Sci*, 5 (1), 117-23.
- Moon, S. J., & Bai, S. Y. (2020). Components of digital literacy as predictors of youth civic engagement and the role of social media news attention: the case of Korea. *Journal of Children and Media*, 14 (4), 458-474.
- Pekrun, R. (2005). Progress and open problems in education Emotion research. *Learning and Instruction*, 15, 479-506.
- Pickering, J. A., & Sanders, M. R. (2016). Reducing child maltreatment by making parenting programs available to all parents: A case example using the Triple P-Positive Parenting Program. *Trauma, Violence, & Abuse*, 17 (4), 398-407.
- Purnama, S., Wibowo, A., Shandy N., Bagus. Faizatul, F., Qonitah Aziz, H. (2022). Do parenting styles and adolescent Youth. *International Journal of Adoles*, 26 (1), 449-459.
- Sayed Shirazi, M. (2004). The relationship between Parents educational styles Youth's formation of religious identity type. *Unpublished Master's and Thesis in counseling*. Allameh University.
- Steinberg, L., Lamborn, S. D., Dornbusch, S. M., & Darling, N. (1992). Impact of parenting practices on adolescent achievement: Authoritative parenting, school involvement, and encouragement to succeed. *Child development*, 63 (5), 1266-1281.
- Vigdal, J. S., & Brønnick, K. K. (2022). A systematic review of "helicopter parenting" and its relationship with anxiety and depression. *Frontiers in psychology*, 13, 872981.
- Tiwari, A. P. (2022). Authoritative Parenting: The Best Style in Children's Learning. *American Journal of Education and Technology*, 1 (3), 18-21.
- Yananda, M., Jiangliang, Q., Chen, C. (2020). The relationships between child maltreatment and child behavior problems. Comparative study of Malawi and China. *Child. Youth Serv. Rev*, 105533.
- Zhou, Q., Eisenberg, N., Wang, Y., & Reiser, M. (2004). Chinese children's effortful control and dispositional anger/frustration: relations to parenting styles and children's social functioning. *Developmental psychology*, 40 (3), 352.